

دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

کارشناسی ارشد - علوم انسانی

عنوان پایان نامه

ماهیت قمار از دیدگاه فقهای امامیه و تطبیق آن بر مصادیق جدید

استاد راهنما

حمیده عبدالهی

دانشجو

مریم شهبازی

تاریخ دفاع: تیر ۱۳۹۳



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

مقدمه :

بیان مسأله

قمار هر نوع بازی و عملی است که به صورت برد و باخت و با یکی از آلات مخصوص آن انجام گیرد. قمار عملی است که در اسلام نهی شده است و حکم آن حرمت است و اجتناب از آن واجب است. این نهی و حرمت به حدی است که فقها شرکت در مجالس قمار را جایز نمی دانند و پولی هم که از این راه به دست می آید، حرام و آن را طبق آیه " ولاتأکلوا أموالکم بینکم بالباطل " مصداق اکل مال به باطل می دانند. حکم حرمت و فلسفه حرمت قمار در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده و آیه ۲۱۹ سوره بقره و همچنین در روایات معصومین علیهم السلام آمده است و بر حرمت آن نیز اجماع وجود دارد. آخرین دلیل بر حرمت قمار، لهو و لعب بودن آنست.

قمار مصادیقی دارد که تشخیص آن منوط به دو امر است، یکی آلات قمار بودن و دیگری شرط بندی در آن. هرچند در این مورد نظرات فقها با هم متفاوت است. چراکه برخی صرف آلات قمار را در تعریف قمار کافی می دانند بدون آن که شرط بندی را در تعریف آن لازم بدانند، اما بیشتر فقها وجود هردو رکن را در تعریف قمار لازم می دانند. البته مواردی وجود دارد که دیگر از آلات قمار محسوب نمی شود، چرا که یا از نظر عرف از آلات قمار نیست یا شرط بندی در آن ها وجود ندارد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

قمار قبل از پیدایش اسلام در کشورهای مختلف و از جمله در شبه جزیره عرب، در میان اعراب جاهلی وجود داشته و حتی بعد از پیدایش اسلام نیز این روند ادامه داشته است. با وجود این که خداوند متعال طی آیات متعددی که در مورد شرب خمر نازل می کرد، قمار و انصاب و ازلام را هم در ردیف آن می آورد، اما اعراب همچنان سرگرم قمار بودند؛ تا این که حکم حرمت آن در سوره مائده صریحاً بیان شد. از آن جا که نهی از قمار از احکام مسلم و

ضروری دین است ، امروزه هنوز هم کسانی هستند که سرگرم این بازی اند و بیهوده عمر گرانمایه خود را در این راه بی هدف می گذرانند بی آنکه متوجه اتلاف عمر و سرمایه خود باشند . بنابراین در این رساله برآنیم تا این گناه کبیره را از منظر فقه امامیه بررسی و نظرات فقهارا پیرامون قمار و مصادیق جدید آن بیان کنیم ، همچنین در صدد بررسی آیات و روایات فراوانی که پیرامون حرمت قمار و آثار مخرب آنست ، باشیم .

اهداف تحقیق

هدف ، بررسی ماهیت قمار و ادله حرمت آن از قرآن کریم ، تفاسیر ، روایات ائمه علیهم السلام ، اجماع و لاهو بودن قمار است . در این راستا نظرات فقهای امامیه را در مورد قمار و مسائل پیرامون آن بیان می کنیم و در صدد بررسی مصادیق و آلات جدید قمار هستیم که چرا برخی آلات قمار از حکم حرمت اولیه خارج شده است و به عبارتی چرا ابتدا حرام بوده اند ولی الآن دیگر حرام نیستند؟

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

_ ماهیت قمار چیست ؟

سؤالات فرعی

۱- حکم قمار چیست ؟

۲- ادله حکم حرمت قمار چیست ؟

۳- مصادیق قمار چیست ؟

۴- معیار خروج برخی مصادیق قمار از حکم حرمت اولیه چیست ؟

فروضیات تحقیق

فرضیه اصلی

- قمار عملی است که با آلات قمار همراه با شرط بندی انجام گیرد .

فرضیات فرعی

- ۱- حکم قمار ، حرمت است .
- ۲- ادله حکم حرمت قمار ، کتاب ، سنت ، اجماع و لهو و لعب بودن قمار است .
- ۳- شطرنج ، نرد ، پاسور ، بیلارد ، بولینگ و... از مصادیق قمار است .
- ۴- برخی مصادیق قمار مانند شطرنج به دلیل عرف و طبق نظر برخی از فقها از حکم حرمت اولیه خارج شده است .

پیشینه تحقیق

در مورد موضوع " ماهیت قمار از دیدگاه فقهای امامیه و تطبیق آن بر مصادیق جدید" پایان نامه فقهی و حقوقی وجود دارد . اگرچه در عنوان ممکن است با موضوع این پایان نامه شباهت داشته باشد اما در محتوا طبق چکیده هایی که دارند با آنچه که ما در صدد بیان آن هستیم متفاوت است ؛ از جمله پایان نامه هایی که در این راستا وجود دارد می توان موارد ذیل را نام برد :

۱. جرم قمار و جرایم مربوط به آن در حقوق جزای ایران . نوشته : کیامرث ایمانی

شیرکلایی

۲. بررسی فقهی حقوقی آلت قمار . نوشته : مهدی کیال

۳. بررسی وضعیت و مبانی فقهی حقوقی قمار و گروبنندی . نوشته : حجت ا... کاظمی

۴. بررسی حکمی و موضوعی قمار و شرط بندی . نوشته : نرگس عافیت

۵. مبانی فقهی و حقوقی جرائم شرب خمر و قماربازی . نوشته : عمران جعفری

۶. قمار در حقوق کیفری ایران . نوشته : شیوا فیروزی

فصل اول :

ماهیت قمار

در این فصل در پی آنیم تعاریف کلی از قمار، لهو و لعب در لغت و اصطلاح و نسبت قمار با لهو و لعب را بیان کنیم و به این نتیجه برسیم که قمار یکی از مصادیق لهو و لعب است و زیر مجموعه آن قرار می گیرد. سپس به بیان عناوین مرتبط با قمار مانند میسر، انصاب و ازلام پردازیم. چون در برخی از آیاتی که پیرامون قمار نازل شده است، این سه عنوان را در ردیف قمار بیان کرده است. بعد توضیحی پیرامون مسابقه اعم از تعریف سبق و رمایه در لغت و اصطلاح، شرایط مسابقه و صور قمار آن بیان خواهیم کرد. در آخر صور چهارگانه بازی را مطرح می کنیم که در این بخش بازی به چهار صورت تقسیم می شود. دو صورت اول، بازی با آلات رایج قمار که یکی با عوض و دیگری بدون عوض است. صورت سوم راهنه بر بازی با غیر آلات قمار است و صورت چهارم مغالبه بدون عوض در غیر آنچه بر جواز مسابقه در آن نص وجود دارد. بنابراین مهم ترین بحث ما در این فصل همین چهار صورت است. چرا که با بیان صور فوق مشخص می شود که بازی با چه شرایط و ویژگی هایی قمار محسوب می شود و در نتیجه حکم آن حرمت است.

۱-۱. قمار در لغت

تعاریفی که از قمار در کتب لغت موجود است، تقریباً به یک معنا است. در این جا برای اختصار به دو مورد از آن ها اشاره می کنیم.

قمار مصدر دوم باب مفاعله است. ریشه (ق م ر) در دو باب « مفاعله » و « تفعّل » از ابواب ثلاثی مزید است و در ثلاثی مجرد نیز کاربرد دارد.

صاحب تاج العروس قمار را از باب « مفاعله » (قَامَرَهُ مُقَامَرَةً وَ قِمَاراً) می داند. همچنین برد و باخت را در تعریف قمار شرط می داند و در تعریف « تقامر » می نویسد: « التَّقَامَرُ: رَاهِنَهُ فَعْلَبَهُ » (تقامر به معنی آنست که با او مراهنه و شرط بندی کرد، سپس بر او پیروز شد).^(۱)

در لسان العرب آمده است: قمار مصدر فعل « قَامَرَ يُقَامِرُ مُقَامَرَةً وَ قِمَاراً » است. ایشان قمار را به معنای مقامره (كُلُّ لَعِبٍ يَرَاهِنُ عَلَيْهِ، يقال له قمار و مقامره، هر بازی که بر آن مراهنه شود به آن قمار و مقامره می گویند)، می داند.^(۲)

۱. سید محمد مرتضی حسینی واسطی زبیدی حنفی محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، (بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوضیح، ۱۴۱۴ ه.ق)، ج ۷، ص ۴۱۳.

۲. احمد بن مکرم جمال الدین ابوالفضل ابن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، (بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ه.ق)، ج ۵، ص ۱۱۵.

۱-۲. قمار در اصطلاح فقها

توضیح قمار در اصطلاح فقهی به دو گروه تقسیم می شود. برخی فقها در تعریف قمار تنها وجود آلات قمار را شرط می دانند. برخی دیگر از فقها علاوه بر وجود آلات قمار، برد و باخت را نیز از ارکان قمار می دانند. در زیر به هر یک از تعاریف فوق به ترتیب اشاره می کنیم.

محقق اردبیلی برای قمار مفهوم وسیعی قائل است و آن را بی برد و باخت صادق می داند و می نویسد: « قمار عبارت است از بازی با آلات رایج قمار مانند نرد و شطرنج ». (۱) عبارت شهید ثانی در مسالک مانند محقق اردبیلی است. (۲)

گروهی دیگر از فقها در تعریف قمار برخلاف نظر فقهای فوق برد و باخت را شرط می دانند که از جمله آنها می توان به صاحب جواهر اشاره کرد که در تعریف قمار می نویسد:

«گفته شده اصل قمار عبارت است از گرو نهادن بر بازی با آلات قمار. همان گونه که ظاهر قاموس اللغه و نهاییه یا صریح این دو و صریح مجمع البحرین این معنا است. البته ظاهر عبارت صحاح و مصباح المنیر و همچنین تکمله و ... اینچنین است که گاهی قمار را بر بازی با آلات قمار مطلقاً همراه با رهن و بدون آن اطلاق می کنند و فرقی هم بین نرد و شطرنج و دیگر آلات قمار وجود ندارد مثل بازی پادشاهان و بازی سه تایی، چهارده، گردو، تخم مرغ، قاپ بازی و...». (۳)

۱. احمدین محمد اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، (مصحح: آقامجتبی عراقی، علی پناه اشتهدادی، حسین یزدی اصفهانی) چاپ اول، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ه.ق)، ج ۸، ص ۴.

۲. زین الدین بن علی عاملی شهید ثانی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرایع الإسلام، چاپ اول، (قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ ه.ق)، ج ۳، ص ۱۲۲.

۳. محمدحسن نجفی صاحب جواهر، جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام، (مصحح: عباس قوچانی، علی آخوندی) چاپ هفتم، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ه.ق)، ج ۲۲، ص ۱۰۹.

فقیهی دیگر که در بیان قمار برد و باخت را شرط می‌داند شیخ انصاری است. ایشان می‌نویسد: « قمار به کسر قاف چنانچه بعضی از لغویون گفته اند رهن بر بازی با آلات معروف قمار است ». برخی از فقها و از لغویون، صاحب قاموس الفقهی در این شرط با شیخ هم نظر هستند. (۱)

۱-۳. لهُو و لعب

ذکر عنوان لهُو و لعب در این جا، از آن جهت است که قمار عبارت از بازی با آلات قمار است. بنابراین تعریف « لعب » ضروری است. از آن جا که در برخی از روایات قمار (شرح آن در فصل بعد خواهد آمد)، کلمه « لهُو » و مشتقات آن آمده است، ذکر تعریف لهُو نیز لازم است. هر چند که این دو واژه غالباً با هم همراه هستند. مهم تر آن که قمار یکی از مصادیق لهُو و لعب است.

لهُو: کلمه لهُو مشتق از « لام، هاء و حرف معتلّ واو » است و به معنای هر چیزی است که انسان را از چیزی به چیز دیگر مشغول کند. (۲)

۱. مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات، (مصحح: محمد جواد رحمتی، سید احمد حسینی) چاپ اول، (قم: منشورات دار الذخائر، ۱۴۱۱ ه.ق.)، ج ۱، ص ۱۸۵.

علی بن حسین عاملی کرکی محقق ثانی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، (مصحح: مؤسسه پژوهش آل البیت علیهم السلام) چاپ دوم، (قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ه.ق.)، ج ۴، ص ۲۴.

ابو جیب سعدی، القاموس الفقهی لغتاً و اصطلاحاً، چاپ دوم، (سوریه: دارالفکر، ۱۴۰۸ ه.ق.)، ص ۳۰۸.

مولی احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، (مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البیت علیهم السلام) چاپ اول، (قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۵ ه.ق.)، ج ۱۴، ص ۱۰۴.

۲. ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، (مصحح: عبد السلام محمد هارون) چاپ اول، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ه.ق.)، ج ۵، ص ۲۱۳.

در کتابی دیگر آمده است که معنای اصلی لهو عبارت از تمایل پیدا کردن به چیزی و لذت بردن از آن است بدون این که به حصول نتیجه آن توجهی داشته باشد. (۱)

لعب: بر وزن فلس و کتف، به معنای بازی است. اصل آن از لعاب به معنی آب دهان است. «لَعِبَ يَلْعَبُ لِعِباً» (آب دهانش جاری شد). (۲)

در مفردات راغب آمده است: اصل کلمه «لعب» از «اللُعَاب» به معنای بزاق السائل است. (۳)

لسان العرب می نویسد: «اللَّعِبُ وَ اللَّعْبُ» ضد جِدِّ (جدی در مقابل شوخی) است. «اللُّعَابُ»: به کسی گفته می شود که حرفه و شغل او لعب است. «اللُّعْبَةُ»: جرم و وسیله ای است که با آن لعب می شود. مثل شطرنج. لذا شطرنج لُعْبَةٌ است. نرد نیز لُعْبَةٌ است و هر مَلْعُوبٌ به هم لُعْبَةٌ است. (۴)

-
۱. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، (تهران: مرکز الکتب لترجمه و النشر، ۱۴۰۲ ه. ق)، ج ۱۰، ص ۲۴۶.
 ۲. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، چاپ ششم، (تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۱۲ ه. ق)، ج ۶، ص ۱۹۱.
 ۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، (مصحح: صفوان عدنان داودی) چاپ اول، (لبنان: دارالعلم دارالشامیه، ۱۴۱۲ ه. ق)، ص ۷۴۱.
 ۴. محمد بن مکرم جمال الدین ابوالفضل ابن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، (بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ه. ق)، ج ۱، صص ۷۳۹ و ۷۴۱.

« لَعِبَ » به کسر لام و سکون عین است و « لَعِبَ » به فتح لام و کسر عین مانند آنست . چنانچه گفته می شود : « لَعِبَ يَلْعَبُ لَعْبًا » . لَاعِبٌ به کسی گفته می شود که در عمل او نفعی پیدا نمی شود . چنانچه در آیه ((ذَرَّهُمْ فِي خَوَاضِحِهِمْ يَلْعَبُونَ))^(۱) : « رهایشان کن تا در یاوه گویی های خود غوطه ور باشند » و آیه : ((ضَحَى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ))^(۲) : « از این که قهر و عذاب ما در روز ، در حالی که سرگرم بازی اند به آنان وارد شود » آمده است .^(۳)

۱-۴. نسبت قمار با لهو و لعب

نسبت بین قمار و لهو و لعب می تواند عموم و خصوص مطلق باشد . به این معنا که هر قماری لهو و لعب است . بعضی لهو و لعب ها قمار هستند . بعضی لهو و لعب ها قمار نیستند . چرا که هر چیزی که با آن لهو و لعب می شود ، ابزار قمار نیست . بلکه ممکن است وسائل غنا مانند نی ، دف و... باشد . اما در مقابل هر چیزی که با آن قمار می شود ، لهو و لعب است . به دلیل این که آلات قمار از جمله نرد و شطرنج طبق تعریفی که از لهو و لعب گفتیم ، « لعبة » نامیده می شوند و آدمی را از چیزی به چیز دیگر مشغول می کند . به این معنا که هنگامی که کسی مشغول قمار با وسائل نام برده است ، به جای این که به کسب و کار پردازد از آن غافل می شود . لذا می توان از لهو و لعب بودن قمار به عنوان یکی از ادله حرمت قمار نام برد که در فصل بعد از آن بحث خواهد شد .

۱. انعام / ۹۱ .

۲. اعراف / ۹۸ .

۳. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی ، ۱۴۱۶ ه.ق.، ج ۲، ص ۱۶۶.

۱-۵. عناوین مرتبط با قمار

منظور از عناوین مرتبط با قمار، کلماتی است که در آیات راجع به قمار در قرآن کریم در ردیف قمار آمده است. آن کلمات عبارت است از: میسر، انصاب و ازلام. منظور از میسر، همان قمار است. انصاب به معنای بت پرستی و ازلام به معنای تیرهای قمار است. در راستای این عناوین ممکن است سؤالاتی مطرح شود:

۱- وجه تسمیه قمار به میسر چیست؟

۲- چرا خداوند حکم قمار را در کنار انصاب و ازلام بیان می کند؟

با توجه به پرسش های فوق ابتدا باید تعاریفی از هر یک از میسر، انصاب و ازلام داشته باشیم تا ارتباط این سه با هم مشخص شود.

۱-۵-۱. میسر

این که چرا در قرآن کریم از قمار با عنوان میسر تعبیر شده است، به دلیل ویژگی است که در قمار وجود دارد. چراکه در قمار، با پیروزی که از آن یکی از طرفین می شود، آن فرد به آسانی می تواند اموال دیگری را به چنگ آورد.

۱-۱-۵-۱. تعریف میسر

میسر مصدر میمی مانند مجلس است و از ریشه « یَسَرَ یَسِرُ یَسِراً » به معنای بازی با قدح و تیر است یا همان شتری است که بر آن قمار می کردند به این معنا که هنگامی که می خواستند قمار کنند شتری را به نسبه می خریدند و آن را نحر می کردند و به بیست و هشت بنا بر قولی یا به ده قسمت بنا بر قول دیگر تقسیم می کردند و این که میسر را « جزور: شتر »

نامیدند یا به عبارتی وجه تسمیه میسر به جزور اینست که اجزاء جزور را جزء جزء می کردند
گویا محل تجزء است و هر چیزی که آن را تقسیم کنند گاهی بر آن قمار می کنند.^(۱)

لسان العرب می نویسد: میسر از ریشه « یُسِر » و مصدر باب « یَسِرَ یَسِيرٌ » و جمع آن
«ایسار» و اسم فاعل آن « یاسر » به معنای « جزار » است. « یاسر » را « جازر » می نامند چراکه
گوشت شتر را تقسیم می کند.^(۲)

در مجمع البحرین ذیل آیه (إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ) نوشته است: میسر همان قمار است
و گفته شده است: هر چیزی که در آن قمار باشد، میسر است حتی بازی کودکان با گردو.
وجه تسمیه قمار به میسر آنست که در قمار می توان مال دیگری را بدون مشقّت و سختی از او
گرفت.^(۳)

معنای اصلی میسر سهولت و آسانی است. البته میسر در عرب بیشتر در یک نوع خاصی
از قمار استعمال می شود و آن عبارت است از انداختن چوبه تیر که از لام و اقلام هم به آن
می گویند.^(۴)

۱. سید محمد مرتضی حسینی واسطی زبیدی حنفی محب الدین، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، (بیروت
دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ه.ق)، ج ۷، ص ۶۳۶.

۲. محمد بن مکرم جمال الدین ابوالفضل ابن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، (بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع،
۱۴۱۴ ه.ق)، ج ۵، صص ۲۹۸ - ۳۰۰.

۳. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، چاپ سوم، (تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ه.ق)، ج ۳، ص ۵۲۰.

۴. سید محمدباقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیرالمیزان، چاپ پنجم، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،
۱۳۷۴ ه.ش)، ج ۲، صص ۲۸۸ - ۲۸۹.

۱-۵-۲. انصاب

۱-۲-۵-۱. تعریف انصاب

کلمه « انصاب » در لغت تعاریفی دارد که از جمله آن ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ابن منظور می نویسد: « نَصَبٌ وَ نُصِبٌ » هر آن چیزی جز خدا است که عبادت می شود و جمع آن « انصاب » است.^(۱)

در مفردات راغب آمده است: « النَّصِيبُ » سنگ هایی است که بر چیزی نصب می کردند و جمع آن « نَصَائِبٌ وَ نُصُبٌ » است. عرب سنگ هایی داشتند که آن را عبادت و بر آن ذبح می کردند و گاهی گفته می شود که جمع آن انصاب است که در آیه ۹۰ سوره مائده آمده است.^(۲)

«انصاب» عبارت از سنگ هایی بودند که اطراف کعبه نصب می کردند و برای غیر خدا روی آن ذبح می کردند.^(۳)

۱. محمد بن مکرم جمال الدین ابوالفضل ابن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، (بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ ق)، ج ۱، ص ۷۵۹.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، (مصحح: صفوان عدنان داودی) چاپ اول، (لبنان: دارالعلم دارالشامیه، ۱۴۱۲ هـ ق)، ص ۸۰۷.

۳. محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، ج ۱، ص ۳۱۱.

۱-۵-۳. ازلام

۱-۳-۵-۱. تعریف ازلام

در لسان العرب آمده است: « زلم » به ضم زای و جمع آن « ازلام » به معنای تیرهایی است که اهل جاهلیت به آن استقسام می کردند.^(۱)

کنز العرفان در معنای ازلام می نویسد: « ازلام » جمع « زلم » با فتح زای یا ضم آن، حمل، سرد و آن تیرهایی است که نه پر دارند، نه ریشه. در سفرها به آن تَقَال می زدند که روی برخی از آنها نوشته شده بود: « خدا امر کرده است انجام بده » و روی برخی دیگر نوشته شده بود: « خدا امر کرده است انجام نده » و روی برخی از آنها، چیزی نوشته نشده بود. بنابراین هنگامی که می خواستند کاری انجام دهند، این تیرها را می چرخاندند. اگر تیری در می آمد که روی آن نوشته شده بود، « انجام بده » آن فرد به دنبال حاجت خود می رفت و اگر تیری بیرون می آمد که روی آن نوشته شده بود، « انجام نده » آن فرد، به دنبال حاجت خود نمی رفت. اگر تیری می آمد که روی آن چیزی نوشته نشده بود، چوبها و تیرها را دوباره می گرداندند. این نوع تفسیر، قول جماعتی از مفسران است.^(۲)

ولی علی بن ابراهیم از امام صادق (ع) روایت کرده است که این چوبها یا تیرها ده نوع بودند. هفت تا از آنها فرورفتگی داشت و سه تای بقیه، فرورفتگی نداشت. آن هفت چوب عبارت بودند از: فذّ، توأم، رقیب، حلس، نافس، مسبّل و معلی. « فذّ » یک تیر، « توأم » دو تیر، « رقیب » سه تیر، « حلس » چهار تیر، « نافس » پنج تیر، « مسبّل » شش تیر و « معلی »

۱. محمد بن مکرم جمال الدین ابوالفضل ابن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، (بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ.ق)، ج ۱۲، ص ۲۷۰.

۲. مقداد بن عبدالله سیوری حلی، کنز العرفان فی فقه القرآن، (مترجم: بخشایشی، عبدالرحیم عقیقی)، چاپ اول، (قم: پاساژ قدس، ه.ق)، ج ۲، ص ۵۰۵.

هفت تیر داشت و سه تیر باقی مانده عبارت بودند از: سفیج، منیج و غد. این تیرها را به شترها تکیه می‌دادند، آنها را قسمت قسمت می‌نمودند. بعد برآن اجتماع و تیرها را خارج می‌کردند و آنها را به فردی می‌دادند و قیمت شترها را برکسی قرار می‌دادند که چیزی از قمار به نام او خارج نشده بود.^(۱)

ازلام تیرهای مورد استفاده برای گونه ای از کهنات و قمار است و جمع « زلم » یا « زلم » است که به تیرهای تیز نشده و بی پر اطلاق می‌شود که اعراب جاهلی برای کهنات و داوری خواستن از بت‌ها به کار می‌بردند و در اصل، ساخته کاهنان بوده است. این عمل بیشتر در بت خانه‌های آنان و نزد خدایان دروغین صورت می‌گرفت و کاربرد آن نیز در مسائل مورد اختلاف، امور مشورتی مانند ازدواج یا مسافرت و تعیین نسب افراد و الحاق فرزند به پدر بوده است. از این عمل به « استقسام به ازلام » تعبیر می‌شد که قرآن کریم به حرمت و اجتناب از آن تصریح کرده است.^(۲)

۱. همان، ج ۲، ص ۵۰۶.

۲. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، (قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ ه.ق)، ج ۱، ص ۳۷۴.

۱-۶. مسابقه

ارتباط مسابقه با قمار از این جهت است که مسابقه در اصل، قمار است اما چون هدف از مسابقه آمادگی مسلمانان در برابر دشمنان است، از این جهت مشروعیت پیدا کرده است. این که مسابقه چیست؟ چه شرایطی دارد؟ چگونه با قمار مرتبط است؟ پرسش هایی است که در ضمن بیان مطالب به آن ها پاسخ داده خواهد شد.

۱-۶-۱. مسابقه در لغت و اصطلاح

سَبَقُ به سکون باء، مصدر باب «سَبَقَ يَسْبِقُ سَبْقاً» به معنای سبقت گرفتن و جلو افتادن است. «سَبَقُ»، به فتح باء، عوض معینی است که به شخص برنده در مسابقه می دهند و نام دیگر آن خَطَرُ و رهن است. رمایه: مصدر باب «رَمَى يَرْمِي رَمِيّاً و رمایه» به معنای تیر افکندن است.

در اصطلاح سبق یا مسابقه عبارت است از اینکه دو یا چند نفر اسب دوانی کنند تا معلوم شود کدام سوارکار ماهرتر است.

رمایه عبارت است از این که دو نفر با هم به سمت هدفی تیراندازی کنند تا معلوم گردد کدام تیرانداز دقیق تر است و اینکه اسلام این دو نوع از مسابقه را حتّی با جُعَلِ مالی برای برنده مسابقه تجویز کرده، برای این هدف است که بدین وسیله اشخاص تمرین نموده و پیوسته آمادگی رزمی آنها محفوظ بماند و بتوانند در نبرد علیه دشمنان اسلام کارساز باشند. درست است که در ظاهر سبق و رمایه ممکن است با قمار رابطه ای نداشته باشد اما اصل مسابقه، رهان و قمار است و چون با هدف آمادگی در برابر دشمنان انجام می شود، از این جهت مشروعیت پیدا کرده است.^(۱)

۱. علی محمدی خراسانی، شرح تبصرة المتعلمین، ج ۲، ص ۲۶.

۱-۶-۲. شرایط مسابقه و صور قماری آن

هر مسابقه شرایطی دارد که فقط در بعضی صور، قمار است. اما در موارد دیگر اگر شرایط مسابقه رعایت نشود، مسابقه باطل است، نه این که قمار باشد. شرایط مسابقه عبارت است از:

اول: مسابقه علیه: هر جاننداری است که در جهاد می توان بر آن سوار شد مثل فیل، شتر، اسب، استر و حمار. پس اگر دو اسب یا دو حیوان دیگر را بدون سواری بدوانند تا معلوم شود کدام یک می توانند مسابقه دهند، باطل است. بنابراین مسابقه در غیر از این موارد، مثل دویدن انسان، پراندن مرغ، راندن کشتی ها، کشتی گرفتن، جنگ انداختن قوچ، خروس، شیر، گاو، به شکار فرستادن سگ، مرغان شکاری و مانند این ها، صحیح نیست.

دوم: معین کردن میزان مسافت دوآوردن. اگرچه با مشاهده باشد و ابتداء و انتهاء آن را باید چنان تعیین نمایند که غرر نداشته باشد.

سوم: تعیین عوض است. عوض می تواند ریال یا اشرفی یا مس یا گندم و جو یا لباس و... باشد و بدون عوض نیز جایز است مثل صلح.^(۱)

چهارم: عوض را برای سابق قرار دهند یا برای او با محلل یا فقط برای محلل. محلل شخصی است که بین مسابقه دهندگان قرار می گیرد و مرکب خود را می دواند که اگر جلوتر از آنها به آخر مسافت برسد، عوض را کلاً یا به حسب شرط بردارد و اگر آنها زودتر برسند او عوض نمی دهد. او را به این جهت محلل می گویند که اگر او نباشد مسابقه قمار می شود.

۱. ملا علی قارپوز آبادی قزوینی، صیغ العقود و الایقات (محشی)، (مصحح: جواد بیات، بهروز بیات، موسی بیات، میرزا محمد علی و میرزا رضا) چاپ اول، (قم: انتشارات شکوری، ۱۴۱۴ ه.ق)، صص ۱۳۷ - ۱۳۸.

زیرا یکی از مسابقه دهندگان می برد و دیگری می بازد . اما محلل نه می برد و نه می بازد . حضورداشتن محلل در مسابقه به عهده مسابقه دهندگان است که اگر در ضمن عقد با یکدیگر شرط کنند که همه عوض یا مقدار معینی از آن ، برای محلل باشد ، جایز است و آلا جایز نیست . پس با وجود محلل ، مسابقه میان سه نفر می شود که مجموع آن ها برنده و بازنده نیستند . بنابراین صیغه مسابقه بدون محلل نیز صحیح است و قمار نیست . بله اگر عوض را برای اجنبی که محلل نیست قرار دهند ، باطل است .

پنجم : عوض را برای مسابقه دهنده در آخر مسافت قرار دهند ، نه در وسط و هر جای میدان .

ششم : تعیین مسابقه علیه به طور جداگانه است . پس اگر صیغه را بر دو اسب ، مطلق بخوانند ، باطل است .

هفتم : تساوی دو حیوان در قوت و ضعف است .

هشتم : تساوی دو حیوان در نوع است . پس فیل را با فیل و شتر را با شتر مسابقه باید نمود .

نهم : هر دو حیوان را باید در یک زمان بدوانند . پس اگر یکی را زودتر بدوانند و دیگری را بعد از آن ، به این قصد که ببینند به او می رسد یا نه ، باطل است .

دهم : مسافت به حدی باشد که به یک نفس ، آن دو حیوان با سهولت آن را طی نمایند . پس اگر با استراحت کردن ، مسافت را طی کنند ، باطل خواهد بود .

یازدهم : شرط است که مسابقه دهنده مرد باشد چرا که مسابقه زنان باطل است .

دوازدهم : شرط فاسدی را در ضمن عقد بدون سبب شرعی نباید شرط کنند مثل بیع شراب

، زدن مؤمنی و بازی قمار .^(۱)

۱. همان ، صص ۱۴۲-۱۴۵ .

۱-۷. صور چهارگانه بازی

منظور از عنوان فوق ، صورت های چهارگانه ای است که برای بازی وجود دارد . به این معنا که هر بازی در یکی از تقسیماتی که بیان می کنیم قرار می گیرد . این که با چه معیاری به برخی از ابزار بازی ، آلات قمار گفته می شود ؟ به نظر می رسد این معیار، تشخیص مکلف است و در این زمینه نقش عرف بی تأثیر نیست . یعنی در عرف هر جامعه ای برخی از بازی ها به عنوان آلات قمار شناخته می شوند . حال اگر مکلف در تشخیص آلات قمار مردد باشد ، عرف در این تشخیص به مکلف کمک می کند . در یک تعریف می توانیم بگوییم به وسایل و ابزاری مانند نرد و پاسور که کاربرد آن ها در قماربازی است ، آلات قمار گفته می شود .^(۱)

صور چهارگانه ای که در این جا می خواهیم بیان کنیم ، عبارت است از :

الف) بازی با وسایل قمار همراه با برد و باخت .

ب) بازی با وسایل قمار بدون برد و باخت .

ج) راهنه بر بازی با غیر وسایل قمار

د) مغالبه بدون عوض در غیر آنچه بر جواز مسابقه در آن نص وجود دارد .

۱. جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی ، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام ، چاپ

اول ، (قم : مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام ، ۱۴۲۶ هـ ق) ، ج ۱ ، ص ۱۳۸ .